



## مقدمه

آنچه در امر تربیت مهم و اساسی است ارائه شیوه های اطمینان بخش تربیتی است که ضمن در برداشتن همه ابعاد زندگی انسان او را به سعادت حقیقی که همان مقام قرب الهی است نائل گرداند و بی شک چنین شیوه های تربیتی جز از سیره قولی و عملی اسوه های راستین دین یعنی معصومین (علیهم السلام) میسر نیست. بدین جهت ضروری می نماید که زندگانی معصومین (علیهم السلام) را بطور کامل و دقیق از منظر تربیت نگریست و از خلال سیره رفتاری و گفتاری آنها تربیت صحیح را عرضه نمود. دراین مقاله تلاش بر آن است که گوشه هایی از سیره امام کاظم (ع) در تربیت فرزندان را هر چند ناقص به تصویر بکشانیم.

## گام نخست در تربیت

از ویژگیهای انحصاری اسلام نگاه عمیق و ریشه ای به امر تربیت است، از دیدگاه اسلام زمینه های تربیت را نه از لحظه تولد که از مدتها قبل باید فراهم نمود، از بزرگترین اهداف ازدواج تربیت فرزندان صالح و شایسته است، ازدواج تنها یافتن شریک در زندگی مشترک و پیوند ساده میان زن و مرد نیست بلکه مرد باید مادری شایسته و زن پدری لایق برای فرزندان آینده خود برگزیند امام کاظم (ع) فرموده است: «... واختاروا لنطفکم...» برای نطفه های خود انتخاب کنید (مادران شایسته ای برای فرزندان آینده تان برگزینید) و نیز آن حضرت ویژگیهایی را برای انتخاب همسر فرمود که رعایت آنها شرط موفقیت در زندگی آینده است، برخی از این معیارها عبارتند از:

## صالح بودن

آن حضرت از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمود: خداوند فایده ای بهتر از همسر صالحه به انسان نداده تا وقتی او را می بیند خوشحال گردد و هر گاه شوهر خارج از منزل است خود و مال شوهر را حفظ نماید.

همچنین آن حضرت دعایی را به اصحاب تعلیم دادند که از خداوند طلب همسر صالح و مهربان کنند «اللهم ارزقنی زوجه صالحه ودودا...» و سفارش کردند که این دعا را بعد از نماز و قرائت سوره فاتحه و یس بخوانند.

## کفو بودن

همشان بودن والدین، در تربیت اولاد نقش بسزایی دارد، چنانچه والدین از نظر سطح سواد و فرهنگ و مسائل اخلاقی و اعتقادی به هم نزدیک نباشند دچار تضاد و ناهماهنگی در تربیت خواهند شد و تربیت مطلوب حاصل نخواهد گشت. امام کاظم (ع) در حدیثی می فرماید: «وانکحوا الاکفاء...» با همسرانی که همسطح و کفو شما باشند ازدواج کنید ...

## عاطفه همسر

فرزند بیش از هر چیز بویژه در دوران کودکی نیاز به محبت دارد، با محبت بودن همسر از دو جهت اهمیت دارد از طرفی کانون خانواده را صفای بیشتر می بخشد و باعث نیرو و توان بیشتر مدیر خانواده یعنی شوهر می گردد و از طرف دیگر فرزندان تشنه محبت، خود را از چشمه زلال محبت سیراب و روان آنها را طراوت می بخشد. امام کاظم (ع) در دعایی که به اصحاب تعلیم دادند طلب همسر ودود و باعاطفه زیاد را از خداوند، سفارش نمودند.

## عفاف و پاکدامنی همسر

عفاف و پاکدامنی از معیارهای ضروری انتخاب همسر است؛ زیرا فرزندان طیب و پاکیزه از دامن مادران پاکدامن

وبا عفت پرورش خواهند یافت.

امام کاظم (ع) از رسول خدا (ص) نقل می کند که فرمود: با زنان فلان طایفه ازدواج کنید زیرا آنها با عفت هستند و زنان آنان نیز با عفتند و با زنان فلان طایفه ازدواج نکنید زیرا آنان با عفت نیستند و زنانشان نیز با عفت نخواهند بود و نیز علی بن جعفر می گوید از برادرش سؤال کردم آیا استفاده از شیر زنی که از راه زنا بچه زاییده صلاح هست؟ فرمود: استفاده از شیر او و شیر دختر او که از زنا متولد شده صلاح نیست.

امام هفتم (ع) بیش از آنکه دیگران را به انتخاب همسر شایسته توصیه کند خود بدین امر اساسی اهمیت می داد و برای فرزندان خود مادران صالح و شایسته انتخاب نمود، نکته قابل توجه اینکه هر کدام از همسران ایشان که از نظر تقوی و فضیلت برجسته تر بودند فرزندان بلند مرتبه تری داشتند برای نمونه به منزلت دو نفر از همسران آن حضرت اشاره می کنیم:

### 1- مادر امام رضا (ع)

از عون بن محمد کندی روایت شده که من مردی را آگاهتر از علی بن میثم به کارهای ائمه (علیهم السلام) و ازدواجشان ندیدم او می گفت که حمیده مصفاة مادر حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) که از اشراف و بزرگان عجم بود کنیزی خرید و اسم آن تکتم بود و او در عقل و دین و احترام به حمیده بهترین زن بود بطوریکه به احترام حمیده هیچگاه در مقابل او نمی نشست، حمیده به فرزندش گفت: پسرم من کنیزی بهتر از تکتم سراغ ندارم و شکی ندارم اگر فرزندی داشته باشد خداوند او را پاکیزه می گرداند و من این کنیز را به تو بخشیدم، درباره او سفارش به نیکی کن، آنگاه که حضرت رضا (ع) از آن بانو متولد شد او را طاهره نامید، نوادش سالم بود و از او شیر زیادی می خورد، آن بانو درخواست کرد دایه ای بگیرند که در شیر دادن به او کمک کند. از او پرسیدند مگر شیر تو کم شده؟ گفت شیرم کم نشده اما من اورد، اذکار و عبادتهایی داشتم و از هنگامی که فرزندم به دنیا آمد، کمتر به آنها می رسم.

### 2- ام احمد (مادر شاهچراغ)

ام احمد تنها زنی است که امام کاظم (ع) در وصیتنامه خود از او یاد می کند، مرحوم مجلسی درباره اومی نویسد: مادر احمد از زنان مورد احترام بود و امام کاظم (ع) علاقه شدیدی به او داشت، هنگامی که حضرت می خواست از مدینه به سوی بغداد حرکت کند، ودیعه های امامت را پیش او سپرد و فرمود: هرگاه کسی پیش تو آمد، در هر وقتی از اوقات که باشد و این امانت را از تو طلب کرد، بدان که من به شهادت رسیدم و او جانشین بعد از من و امامی است که اطاعت او بر شما و دیگران واجب است.

## اولین نیکی به فرزند

انتخاب نام نیکو از حقوق فرزند بر والدین و نشانه احترام و اهمیت آنها به آینده فرزند می باشد. نام علامتی است که فرزند آن را تا پایان عمر به همراه دارد اگر نیکو باشد مایه سرور و شادی فرزند و اگر ناپسند و زشت باشد باعث اندوه و حسرت او می گردد. موسی بن بکر از امام کاظم (ع) نقل می کند که فرمود:

اولین کارنیک پدر برای فرزند این است که نام نیکو برایش انتخاب نماید. در حدیث دیگری آن حضرت برخی از اسامی نیکو را ذکر می نماید. سلیمان جعفری می گوید از حضرت کاظم (ع) شنیدم که فرمود: خانه ای که یکی از اسمهای محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب و فاطمه در آن باشد فقر در آن داخل نمی شود. اهمیت نام نیکو بدان حد است که گاهی حضرت از نامهای ناپسند نهی می فرمود و حتی در کودکی نسبت به آن حساس بود: یعقوب سراج نقل می کند که بر حضرت ابی عبدالله (امام صادق) (ع) واردشدم در حالیکه بر بالین فرزندش (امام کاظم) ایستاده بود و موسی (ع) درگاهواره جای داشت و حضرت با او نجوی می کرد و آهسته سخنانی می گفت آنقدر تامل کردم تا سخنانش با فرزند تمام شد، آنگاه فرمود: نزدیک بیا و سلام کن، رفتم و سلام کردم، آن طفل با بیانی فصیح و روشن جواب سلام مرا داده و فرمود: برو و نام دختری را که دیروز (حمیراء) نام نهاده ای تغییر بده، به درستی این نامی است که خداوند را به غضب می آورد، آنگاه حضرت صادق (ع) به من فرمود:

زود برو و آنچه موسی (ع) گفت عمل کن تا کامیاب شوی، سپس من نام دخترم را ازحمیراء تغییر دادم. سیره عملی امام کاظم (ع) گواه صادقی بر اهمیت نام نیکو برای فرزندان است، آن حضرت با کثرت فرزندان برای آنها نام نیکو برگزید و حتی در مواردی اسامی مشترک انتخاب نموده و با پسوند اکبر، کبری، وسطی و صغری آنها را از هم جدا می کرد. مرحوم مجلسی در بحارالانوار تعداد فرزندان آن حضرت را 37 نفر ذکر می کند و از اسامی آنان چنین یاد می کند:

### الف) پسران:

علی بن موسی رضا(ع)، ابراهیم، عباس، قاسم، جعفر، اسماعیل، هارون، حسن، احمد، محمد، حمزه، عبدالله، اسحاق، عبیدالله، زید، حسین، فضل و سلیمان.

### ب) دختران:

فاطمه کبری، فاطمه صغری، رقیه، حکیمه، ام ابیها، رقیه صغری، کلثوم، ام جعفر، لبانه، زینب، خدیجه، علیه،

آمنه، حسنه، بریهه، عائشه، ام سلمه، میمونه و ام کلثوم. همچنین از عمده الطالب، ابراهیم اکبر و ابراهیم اصغر را نقل می کند. علاوه بر مرحوم مجلسی برخی، نامهای مشترک دیگری را چون زینب، زینب الکبری، خدیجه، خدیجه الکبری، ام کلثوم الکبری، ام کلثوم الوسطی و ام کلثوم الصغری را برای فرزندان امام کاظم (ع) ذکر کرده اند.

### عقیقه و ولیمه فرزند

عقیقه و ولیمه علاوه بر آثار اجتماعی چون اطعام فقراء و مؤمنین، برای کودک نیز مؤثر خواهد بود؛ زیرا از طرفی نشانه احترام والدین به کودک است و از طرف دیگر به منزله تامین و حفظ سلامتی فرزند است. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: کل مولد مرتهن بالعقیقه: هر نوزادی در گروه عقیقه است. اهمیت عقیقه تا بدانجاست که امام کاظم (ع) فرمود: هنگام تولد فرزند عقیقه برای او واجب است، تعبیر به وجوب هر چند از نظر فقهی واجب شرعی نیست و عقیقه یک عمل مستحبی است، اما نشانه اهمیت آن می باشد.

در مورد ولیمه، علی بن حکم از بعضی اصحاب نقل می کند که امام کاظم (ع) برای بعضی فرزندان ولیمه داد و اهل مدینه راتا سه روز از اقسام فالوده ها (غذای معمول آن زمان) در دیگهای بزرگ در مساجد و بزرگها طعام دادند، بعضی از اهل مدینه به خاطر این کار بر حضرت عیب گرفتند، خبر به گوش حضرت (ع) رسید، فرمود: خداوند هیچ چیزی را به پیامبری نداده الا اینکه مانند آن را به پیامبر (خاتم) عطا کرده و بلکه به او چیزهایی داده که به دیگران نداده است، به سلیمان فرمود «هذا عطائنا فامنن او امسک بغیر حساب» محمد (ص) فرمود: «ما اتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا» هر آنچه پیامبر به شما آموخت فرا گیرد و عمل کنید و از آنچه شما را منع کرده پرهیزنمایید.

### احترام به فرزند

افراد نسبت به رعایت ادب و احترام دیگران متفاوتند، برخی به نحو شایسته ای نسبت به دیگران رعایت ادب و احترام می نمایند و در اصل احترام و ادب فرقی میان بزرگترها و کوچکترهای اعضای خانواده خود و دیگران قایل نیستند، برخی دیگر در خارج از کانون خانواده خویش و نسبت به دیگران بسیار مودب می نمایند و چه بسا به رعایت ادب و احترام شهرت یافته اند اما در کانون خانواده خویش چنان احترامی را لازم نمی دانند و رفتار و گفتاری مودبانه و محترمانه آنچنان که می بایست در مقابل فرزندان خود ندارند، عده ای دیگر هستند که فقط بزرگترها را شایسته رعایت ادب و احترام می دانند و به کودکان وقعی نمی نهند و با پندار خود آنان را بچه می انگارند غافل از آنکه گرچه ما آنان را کودک می پنداریم اما آنان خود را کوچک و کودک نمی پندارند بلکه در حد فهم

خود تصور بزرگی ازخویشتن دارند، باید دانست که رعایت ادب و احترام صرفاً نه در خارج منزل شایسته است و نه هم فقط نسبت به بزرگترها بایسته، بلکه همچنانکه احترام به بزرگترها لازم است و شایسته نسبت به کوچکترها نیز ضروری است و بایسته زیرا کودک ادب و احترام را در آموزشگاه خانواده فرا گرفته و آن را در صحنه اجتماع به نمایش می گذارد. از سلیمان بن حفص مروزی نقل شده که گفت:

موسی بن جعفر فرزند خود علی را «رضا» نامید و هر زمان که نام او را بدون خطاب به او بر زبان جاری می کرد، می فرمود: بگوئید فرزند من رضا، نزد من بیاید و به فرزند خود «رضا» چنین گفتم و فرزند من رضا چنان گفت و هرگاه آن جناب رامخاطب قرار می داد، می فرمود: یا ابالحسن. امام (ع) نه تنها در زمان حیات فرزندان آنها را احترام می نمود که بعد از مرگ آنها نیز برای آنها احترام قائل می شد و این رفتار برای فرزندانی که در قید حیات بودند بسیار جالب و با اهمیت بود. یونس بن یعقوب نقل می کند هنگامی که امام موسی (ع) از بغداد به مدینه برگشت، فرزند او در «فید» وفات یافت.

حضرت او را در همانجا دفن نمود و به بعضی از دوستانش سفارش کرد که قبر او را با گچ بسازند و نام او را بر لوحی نوشته، بر قبرش بگذارند.

## فرزندان و محبت

فرزندان گلهای بوستان زندگیند و کام تشنه آنها جز با محبت والدین سیراب نمی گردد، هر نوع کوتاهی در سیراب نمودن آنها اثری جز پژمرده شدن این گلهای معطر به دنبال ندارد، برخی والدین از نقش محبت در رشد معنوی و حتی جسمانی فرزندان خود غافلند و کمتر به اهمیت و تاثیر سحرآمیز آن توجه دارند در حالی که محبت داروی شفابخش بسیاری دردهاست، بسیاری از ناسازگاریها و پرخاشگریهای فرزندان را با محبت می توان پیشگیری نمود، نکته مهم در محبت و عاطفه به فرزندان اظهار و ابراز آن است چه بسا والدینی که فرزندان خود را بسیار هم دوست می دارند، اما کمتر این عاطفه قلبی خود را ابراز می کنند.

از بهترین شکلهای اظهار محبت در آغوش گرفتن و بوسیدن فرزند در کودکی و هدیه دادن در نوجوانی و جوانی است. مفضل بن عمر نقل می کند که بر موسی بن جعفر (ع) وارد شدم در حالیکه فرزندش علی (ع) در کنارش نشسته بود و او را می بوسید و زبان او را می مکید و او را بر شانه خود می گذاشت و او را به خود می چسباند و می فرمود: پدر و مادرم به فدای تو باد چقدر خوشبو و پاکیزه است بوی تو و چقدر خلقت تو پاک و طاهر است وچقدر فضل تو ظاهر است ...